

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیر هنر در تاریخ (۱)

دوره پیش‌دانشگاهی

رشته هنر

شماره درس ۱۴۲۲

۷۰۹	تسلیمی، نصرالله
س ۹۳۵/ت	سیر هنر در تاریخ (۱) / مؤلف: نصرالله تسلیمی. - تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های
۱۳۹۱	درسی ایران، ۱۳۹۱.
	۱۷۳ص. : مصور. - (آموزش دوره پیش‌دانشگاهی؛ شماره درس ۱۴۲۲)
	متون درسی رشته هنر دوره پیش‌دانشگاهی.
	برنامه‌ریزی و نظارت، بررسی و تصویب محتوا: کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های
	درسی رشته هنر دوره پیش‌دانشگاهی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش
	وزارت آموزش و پرورش.
	۱. هنر- تاریخ. الف. ایران. وزارت آموزش و پرورش. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف
	آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش. ب. عنوان. ج. فروست.

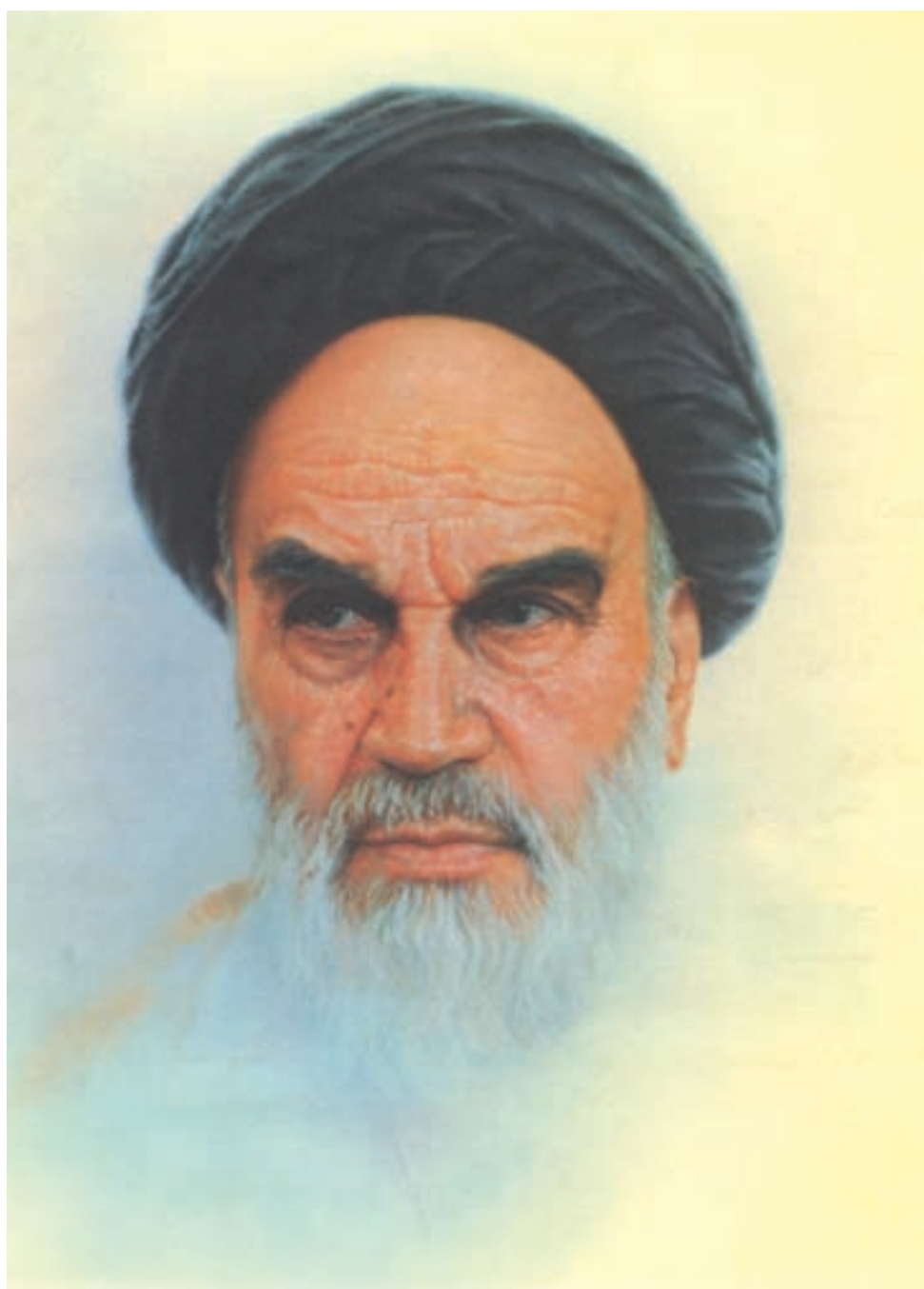
همکاران محترم و دانش‌آموزان عزیز :
پیشنهادها و نظرات خود را درباره محتوای این کتاب به نشانی
تهران- صندوق پستی شماره ۴۸۷۴/۱۵ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف آموزش‌های
فنی و حرفه‌ای و کار دانش، ارسال فرمایند.
پیام‌نگار (ایمیل) tvoccd@roshd.ir
وب‌گاه (وب‌سایت) www.tvoccd.medu.ir

این کتاب در سال ۱۳۸۹ توسط جمعی از هنرآموزان منتخب مورد ارزشیابی قرار گرفت و
زیر نظر کمیسیون تخصصی رشته هنر دوره پیش دانشگاهی تألیف مجدد گردید.

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف: دفتر برنامه‌ریزی و تألیف آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش
نام کتاب: سیر هنر در تاریخ (۱)- ۵۹۴/۳
مؤلف: نصرالله تسلیمی
اعضای کمیسیون تخصصی: مزگان اصلانی، خدیجه بختیاری، حسن سروندی، بشری گلبخش، میترا عطارد،
معصومه مرادپور و زهره نهاردانی
نظارت بر چاپ و توزیع: اداره کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی
تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۹- ۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۹۲۶۶-۸۸۳۰، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،
وب‌سایت: www.chap.sch.ir
صفحه‌آرا: سمیه نصری
طراح جلد: محمدحسن معماری
ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران- تهران- کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج- خیابان ۶۱ (داروپخش)
تلفن: ۵- ۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه: شرکت افست «سهامی عام»
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ سوم ۱۳۹۱

حق چاپ محفوظ است.



هنر عبارتست از دیدن روح تحت داناها

امام خمینی

فهرست مطالب

		مقدمه	
۶	پیدایش هنر و تمدن	فصل ۱	
۱۴	هنر و تمدن ایران باستان	فصل ۲	
۴۴	هنر و تمدن میان رودان (بین النهرین)	فصل ۳	
۶۰	هنر و تمدن مصر	فصل ۴	
۷۶	هنر و تمدن هند	فصل ۵	
۹۰	هنر و تمدن چین و ژاپن	فصل ۶	
۱۱۲	هنر و تمدن ایران اسلامی – معماری مساجد کشورهای اسلامی	فصل ۷	
۱۷۲	منابع و مآخذ		

مقدمه

آشنایی با تمدن های باستانی و حوزه های فرهنگی کهن شاید از ضروری ترین دانش های بشری محسوب شود، چرا که هنر آیینی تمام نمای هویت فرهنگی انسان ها در هر جامعه و هر عصر است و انسان برای شناخت خود و آگاهی به تحولاتی که از ابتدایی ترین نوع زیست تاکنون سپری نموده به این دانش نیاز دارد. امروزه ما در کشورهای متعدد و جوامع گوناگون با فرهنگ ها و آداب و رسوم متنوع و گسترده ای روبه رو هستیم که هر یک از آن فرهنگ ها بر یک یا چند تمدن کهن استوار است. شناخت این تمدن ها تنها از راه مطالعه ی آثار هنری به جای مانده از آن ها میسر است.

در این کتاب به معرفی چند تمدن شاخص و بحث پیرامون آثار هنری و نحوه ی شکل گیری آن ها پرداخته شده است. انتظار می رود که هنرجویان ، پس از مطالعه ی این کتاب، با کسب دانش اجمالی نسبت به هنرهای ادوار باستان بتوانند به تجزیه و تحلیل آثار و درک ارتباط آن ها با خاستگاهشان دست یابند. از آنجا که بودجه بندی زمانی در ترم دوم تدریس و تفهیم کتاب سیر هنر در تاریخ ۲ را تحت تاثیر قرار می دارد ، فصل هفتم ، هنر اسلامی به این کتاب منتقل شده است . هنر جویان هر چند تاریخ هنر ایران و جهان را گذرانده یا بصورت پیش نیاز داشته اند ، اما بعد از گذراندن واحدهای اصلی و تخصصی با نگاهی دوباره و متفاوت به قیاس تمدن ها و فرهنگ های گذشته با فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی آگاهی بیش تری به هویت خویش پیدا خواهد کرد چرا که اصل هویت در تفکر هنرمند انکار نا پذیر است .

هدف کلی: آشنایی با سیر تحول هنر در تاریخ

فصل اول

پیدایش هنر و تمدن



ح ۶۰۰ ق. م

عصر آهن

ح ۱۰۰۰ ق. م

عصر مفرغ

نوسنگی اروپا

ح ۲۰۰۰ ق. م

عصر مس و سنگ نو

نوسنگی اروپا

ح ۴۰۰۰ ق. م

عصر مس و سنگ قدیم

ح ۶۰۰۰ ق. م

دوران نوسنگی

ح ۸۰۰۰ ق. م

دوران میان سنگی

ح ۱۰۰۰۰ ق. م

دوران پارینه سنگی

PREHISTORIC EUROPE AND THE NEAR EAST





اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- هنرپیش از تاریخ را توصیف کند.
- ۲- به تصویر روشنی از چگونگی شکل‌گیری آثار هنری در پیش از تاریخ دست یابد و آن را توضیح دهد.
- ۳- انگیزه و هدف خلق آثار هنری را در ابتدایی‌ترین ادوار توصیف کند.
- ۴- مفهوم و تعریف تمدن را بیان کند.
- ۵- منابع ارزشمندی را برای باستان‌شناسی توصیف کند.

اهمیت مطالعه در هنر

مطالعه هنر در دوره‌های پیش از تاریخ و تاریخی ضرورت دارد، چرا که تعریف هنر همواره مورد بحث متفکران بوده و بی شک شناخت هنر به عنوان پدیده‌ای گویا و واسطه انتقال مفاهیم و اطلاعات مورد توجه است و به چنین مطالعه‌ای نیاز دارد. از سوی دیگر، در معنای تاریخی نیز نظری قطعی وجود ندارد. در فرآیند تدوین تاریخ هر قدر به عقب‌تر باز می‌گردیم از حجم منابع مکتوب کاسته می‌شود و سرانجام به ادواری می‌رسیم که از آنها هیچگونه اطلاعات نوشتاری به دست نیامده است. به راستی تاریخ در کجا و از چه زمانی آغاز می‌شود و تفاوت میان رخدادهای پیش یا پس از تاریخ چیست؟

اساساً قبل یا بعد از تاریخ به چه معناست؟ در پاسخ به این پرسش باید بگوئیم که بشر برای آگاهی از

ویژگی‌های هر دوره همواره به نوشته‌های به جای مانده از آن عهد رجوع می‌کرده و بر اساس آن، تاریخ و پیشینه‌ی خود را مدون کرده است. از همین جاست که مفهوم تاریخ شکل می‌گیرد و پیش از تاریخ شامل دوره‌ایی می‌گردد که آثار مکتوب از آنها به جای نمانده است.

با گذشت زمان، دانش بشری نیز گرایش‌های متعدد و متنوعی یافت. یکی از این گرایش‌ها "باستان‌شناسی" است که در کشف آثار به جا مانده از تمدن‌های کهن نقش اساسی دارد. باستان‌شناسی روزنه‌ای است که انسان توانست از طریق آن به گذشته خویش بنگرد و بر آن بخش از تاریخ، که در زیر خروارها خاک یا در عمق غارهای تاریک پنهان گشته بود، نظر افکند.

باستان‌شناسی علمی است که هدف آن کشف و بررسی آثار مربوط به ادوار پیش از تاریخ و تاریخی است. هدف این اکتشافات و مطالعات، درک تقدم و تأخر وقایع و سیر تحول فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در یک روند منطقی و صحیح است.

این علم از یک سو با انسان‌شناسی و قوم‌شناسی و از سوی دیگر با علم تاریخ، خط‌شناسی و فرهنگ‌های بومی مرتبط است و لذا گستره‌ی وسیعی را تحت پوشش قرار می‌دهد. علم باستان‌شناسی بر اشیاء و آثار به جای مانده و یافت شده از ادوار کهن اتکا دارد. آثاری از سنگ، استخوان، سفال، بقایای معابد و آتشگاه‌ها، قبرها و ویرانه‌های برجای مانده از دهکده‌ها، شهرها، کتیبه‌ها و... ابزار و منابعی هستند که باستان‌شناسان نظریه‌های خود را بر آنها بنا می‌کنند. حتی فسیل‌ها، بقایای برگ‌ها و دانه‌ی گیاهان می‌توانند باستان‌شناسان را در پی بردن به آثار زیست‌انسان‌ها و کشف اشیاء و مصنوعات در آن حوالی یاری کنند.

یافته‌های باستان‌شناسان، به حلقه‌های زنجیری می‌ماند که می‌تواند از یک سو، انسان امروزی را با گذشته‌اش مرتبط سازد و از سوی دیگر پرده از وجود ارتباط میان اقوام مختلف بشری در گذشته‌های دور بردارد، اقوامی که ممکن است در طول تاریخ چنان از یکدیگر جدا شده باشند که امروز تصور هر نوع قرابت و انس دیرینه‌ای را در میان خود باور نداشته باشند. اما این آثار بدون دستیابی به معنا و مفهوم و رمز و رازهایشان همچون کتاب‌هایی خواهند بود که به زبانی بیگانه نگاشته شده باشند. لذا تا انسان با زبان هنر هر دوره‌ای آشنا نشود نمی‌تواند معانی و ویژگی‌هایی را که در لابلای خطوط، رنگ‌ها، شکل‌ها و ... نهفته است در یابد.

پیدایش تخصص‌های مختلف هنری حکایت از نیاز انسان به حفظ میراث فرهنگی دارد. هر چه زمان به جلو می‌رود، احساس نیاز بشر نسبت به حفظ هویت خود بیشتر می‌شود. هر چه بشر در مورد هویت خود عمیق‌تر می‌اندیشد آثار هنری را صادق‌ترین آئینه‌ی هویت خود می‌یابد. این آثار هنری هستند که جوهره‌ی

هویت انسان را در طول دوران با خود حمل کرده اند. انسان امروز ارزش این گنجینه را که با تاریخ تفکر، فطرت و هویت او مرتبط است، دریافته و قصد دارد تا با بهره گیری از علوم و فنون متفاوت آن را پاس دارد. انسان تا مدت ها آثار هنری به جای مانده از نیاکان ماقبل تاریخ را همچون اشکالی بدوی، ناپخته، فاقد بیان هنری و حتی بی ارزش و بی معنا می پنداشت. اما ارتقای دانش نسبت به این آثار، یافتن وجوه تشابه میان آنان و سیر در ابعاد مختلف زندگی انسان اولیه، نیازها و باورهای او رفته رفته پرده از ابهامات برداشت و به این آثار گنگ و مرده، زبان و جان بخشید.



۱-۱- شکارچیان: نقاشی دیواری متعلق به ۵۵۰۰ ق.م. دکن_هند

همانطور که تمام کودکان، از هر نژاد و ملیت و دین به تبع داشتن فطرت پاک مشترک دارای هویتی واحد هستند و این هویت واحد را در تشابه آثار نقاشی کودکان می توان مشاهده کرد (تصاویر (۱-۱) تا (۱-۳)). هنر انسان های نخستین در موقعیت های جغرافیایی کشف شده و متعلق به اقوام متفاوت دارای تشابهات ساختاری و محتوایی می باشد. در تصاویر یاد شده سه نقاشی دیواری را متعلق به سه زمان و سه موقعیت جغرافیایی مشاهده می کنید که هم از لحاظ مضمون و هم به جهت شیوه ی کار تشابهات بسیاری دارند.



۱-۳- شکارچیان: نقاشی دیواری متعلق به هزاره هشتم یا هفتم ق.م، غار دوشه، لرستان



۱-۲- شکارچیان: نقاشی دیواری به قدمت تقریبی ۸۰۰۰ سال ق.م. کاشن-اسپانیا

پیدایش هنر

با توجه به گسترش حوزه های معرفتی و دانش بشری و نظریات متعدد، تعاریف گوناگونی در زمینه هنر وجود دارد. امروزه هنر را معادل علم و معرفت و دانش و فضیلت و کمال، زیبایی شناسی و مهارت های خاص و بیان احساسات تعریف کرده اند.



۴-۱- گاو میش‌ها - قسمتی از نقاشی سقفی غار التامیرا - اسپانیا، ۱۱۰۰۰-۱۲۰۰۰ قبل از میلاد

با مطالعات انجام شده مشخص گردیده که انسان‌های اولیه با مخاطراتی روبرو بوده‌اند که همواره آنها را در تشویش و نگرانی قرار می‌داد. خشم طبیعت جسم و روحشان را می‌آزرد، از این رو نیازهای ابتدایی زندگی، چون تأمین خوراک و پناهگاه و جدال برای بقای روزانه، تمامی زندگی شان را دربر می‌گرفت. زندگی گروهی برای انسان‌های اولیه از مواردی بود که می‌توانست در نیل به آرامش نسبی آنان مؤثر باشد. آرامشی که می‌توانست بخشی از نیروهای او را که در کشمکش آزار دهنده با طبیعت و بقای فردی صرف می‌شد آزاد کند و او را به سوی تفکر و تأمل در خویشتن و پی‌ریزی زندگی منضبط‌تر آینده هدایت نماید. ابتدایی‌ترین آثار هنری که انسان خلق کرده و تاکنون یافت شده، به حدود سی هزار سال قبل باز می‌گردد و دوره‌های پارینه سنگی، میان سنگی و نوسنگی تا شروع تمدن‌های باستانی را دربر می‌گیرد. این آثار شامل تصاویری از انسان و حیواناتی چون گاو کوهاندار، گاو وحشی، گوزن، اسب و... و تندیس‌های انسانی و معماری است (تصویر ۴-۱).

معمولاً محل نقاشی‌ها در عمق غارها و دور از نور طبیعی بوده است. از این رو به نظر می‌رسد آثار هنری یافت شده جنبه‌ی تزئینی و نمایشی و مبنای زیبایی شناختی نداشته باشد. تأمل بیشتر در این موضوع، بر این واقعیت تأکید می‌کند که اولین نقاشی‌های آفریده شده دست انسان به طریق اسرارآمیزی دور از دید عموم کشیده شده است.

حال اگر این نقاشیها، برای زیباتر کردن محیط، به منظور نمایش و ایجاد لذت بصری خلق نشده‌اند، چرا انسان‌های اولیه با ابزارها و وسایل بسیار ابتدایی و مشکلات عدیده‌ی طبیعی که همواره زندگی آنها را به مخاطره می‌افکنده، این آثار را ترسیم کرده‌اند؟

همانطور که اشاره شد موضوع اکثر نقاشی‌های دیوار و سقف غارها تصویر جانوران بوده است (تصویر ۵-۱). این جانوران نقش مهمی در بقای انسان اولیه (به عنوان غذا) داشته‌اند. البته شکار جانوران عظیم الجثه و خطرناکی چون گاو وحشی، گوزن و... برای بشر نخستین، کاری بس دشوار و خطرناک بوده و چه بسا جان خود را در این شکارهای متهورانه از دست می‌داده است. این نقاشی‌ها نه تنها با زندگی روزمره‌ی پیشینیان ما ارتباط موضوعی داشته‌اند، از جنبه کاربردی نیز حائز اهمیت بوده‌اند.

شاید انسان نخستین با دقت در ترسیم شکل، حرکات و رفتار و تناسبات جسمی یک جانور، به شناختی جامع از حریف قدرتمند خود دست می‌یافته و با آفرینش دوباره‌ی آن جانور در قالب تصویر بر دیوار و سقف غار، گویی بخشی از وجود آن جانور را که به تسخیر در می‌آورده، مغلوب خود کرده و سپس با تیراندازی به سوی آن بر مهارت خود می‌افزوده است و هنگامی که به شکار می‌رفته با اعتماد به نفس و مهارت بیشتری با



۵-۱- دالان گاوها - غار لاسکو، فرانسه- (۱۳۰۰۰ - ۱۵۰۰۰) قبل از میلاد. (بزرگترین شکل گاو)

شکار روبرو می شده است. شاید هم با ترسیم پیکره جانور، حیوان حذف شده را مجدداً به چرخه طبیعت باز می گردانده است. از این رو شاید آثار بدست آمده (نقاشیها و پیکره ها) برای او از اهمیت اسرار آمیزی برخوردار بوده و همچون طلسم های جادویی عمل می کرده اند.

با این حال نیاز ذاتی انسان به بهبود و کمال، او را به تغییر ساختار زندگی و تکامل شیوه های معیشتی رهنمون کرد. رفته رفته از شکار جانوران به نگهداری و پرورش آنان (دامداری) روی آورد و بتدریج راز و رمز خاک را کشف کرد و راه و رسم کشاورزی را آموخت.

شیوه ی جدید زیست، انسان را در ایجاد سرپناه هایی دائمی و استقرار در محدوده های جغرافیایی مشخص ناگزیر ساخت و با سپری شدن زمان، مهارت در خانه سازی که از ملزومات زندگی گروهی بود، پیشرفت کرد و برای تهیه ظروف پخت و نگهداری مواد غذایی به سفالگری و ریخته گری دست یافت و با استفاده از رنگ های طبیعی (معدنی، گیاهی، جانوری) در تزئین و زیبا سازی محیط زندگی، صنایع دستی، نقاشی ها و پیکره ها که بیانگر توان هنری انسان ها بود به صورت پیشرفته تری دست یافت.

همین جوامع کوچک ابتدایی نقطه ی شکل گیری تمدن های بزرگ در ادوار بعد شد. تمدن هایی که آثار ارزنده ی به جای مانده از آنها معرف تأثیری ژرف در سرنوشت بشریت است و ما انسان های معاصر، بخش اعظمی از هویت کنونی خویش را مدیون همین تمدن ها هستیم.

پیدایش تمدن

لفظ تمدن^۱ از ریشه «مدینه» (شهر) اخذ شده است و آنرا «شهر نشینی» و خصلت های مربوط به زندگی شهری می دانند. تمدن به مفهوم «نظام اجتماعی بلند مرتبه» با شاخص هایی چون: «هنر»، «علم»، «فرهنگ» و «نظام حکومتی پیشرفته» است و در مقیاس وسیعتر، به مرحله ای از رشد فکری، علمی، ادبی و فرهنگی گفته می شود که فرد متمدن را به عنوان انسانی فرهیخته از دیگر انسان ها متمایز می سازد.

با توجه به موارد فوق می توان نتیجه گرفت که هر اجتماعی انسانی را، در قالب شهر یا کشور و حتی منطقه، نمی توان تمدن نامید جز آنکه در زمینه هنر و فرهنگ و دانش و حکومت پیشرفته باشند. هنگامی که سخن از تمدن های کهن به میان می آید دو منبع ارزشمند و قابل اعتماد وجود دارد: منابع مکتوب و دیگری آثار هنری و معماری است.

۱- منابع مکتوب:

شامل کتیبه ها - الواح - نسخ خطی و که خود به عنوان آثار هنری معرف ذوق و حس زیبایی شناسی یک ملت هستند و دیگری کتاب ها که یافته های علمی یک تمدن و ملت را آشکار و اطلاعاتی در مورد ابعاد مختلف زندگانی در آن عصر را بیان می کنند.

۲- آثار هنری و معماری:

شامل اطلاعات دقیق و ظریف دوران خود بوده و نشانگر روح حاکم بر یک ملت هستند. به همین دلیل است که امروزه موزه ها نه تنها محل جذب هنرمندان هستند، بلکه آثار هنری از منابع اصلی تحقیقات علمی، فرهنگی، تاریخی و دیگر علوم انسانی به شمار می روند.

پرسش

- ۱- علم باستان شناسی چیست؟ و چه اهدافی دارد؟
- ۲- ابتدایی ترین آثار هنری انسان از چه زمانی به دست آمده است و چه تصاویری را نشان می دهد؟
- ۳- انگیزه های انسان غارنشین از آفرینش هنری چه بوده است؟ توضیح دهید.
- ۴- مفهوم تمدن چیست؟ انسان متمدن به چه کسی گفته می شود؟
- ۵- مهمترین منابع قابل اعتماد برای باستان شناسی کدامند؟ توضیح دهید.
- ۶- به نظر شما وظیفه ی یک هنرمند برای ثبت بهتر تاریخ چیست؟ در این مورد در کلاس گفت و گو کنید.

۱. Civilization

MINISTAN



ORASAN

SISTAN

Kuh-i Khwaja
شهر سوخته
Shahr-i Sokhteh

UCHISTAN

فصل دوم

هنر و تمدن ایران باستان

دوران اسلامی

ح ۶۵۱ م

ساسانیان

ح ۲۲۶ م

اشکانیان

ح ۳۳۰ ق. م

هخامنشیان

ح ۵۵۰ ق. م

دوره مهاجرت آریایی ها و مادها

ح ۲۰۰۰ ق. م

دوره مس و سنگ جدید تمدن ایلام

دشت لوت مرکز ایران

ح ۴۰۰۰ ق. م

دوران مس و سنگ قدیم و استقرار در

تپه های باستانی





اهداف رفتاری :

پس از پایان فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- جایگاه و اهمیت تمدن ایران را توضیح دهد.
- ۲- شاخص ترین مناطق باستان شناسی تمدن ایران را نام ببرد.
- ۳- ویژگی باستان شناسی تپه سیلک، مارلیک و لریستان را توصیف کند.
- ۴- هنر باستانی ایلام و ماد را شرح دهد.
- ۵- هنر دوره هخامنشی را توصیف کند.
- ۶- تفاوت های هنر اشکانیان را با هنر هخامنشی توضیح دهد.
- ۷- شباهت ها و تفاوت های هنر ساسانیان را با هنر هخامنشی و اشکانی شرح دهد.

هنر و تمدن ایران باستان

یکی از تمدن های بزرگ دوران باستان تمدن ایران است. این منطقه باستانی جغرافیای بزرگی با تنوع نژادی و قومیت های مختلف مهم ترین ارزش های هنری دوران باستان را تا به امروز به یادگار گذاشته است.

تاریخ فرهنگ و هنر ساکنان فلات ایران به دوران پارینه سنگی باز می‌گردد، اما شاخص‌ترین آثار به جا مانده در فلات ایران اغلب مربوط به دوران نوسنگی می‌باشد. سیر فرهنگ و تمدن با ساخت سفال در حدود اواخر هزاره نهم، اوایل هزاره هشتم قبل از میلاد در مناطق غربی ایران به ویژه کوه‌های زاگرس، لرستان و گنج دره هرسین (کرمانشاه) شروع شد.

پس از مدتی سفالینه‌های منقوش به شیوه دست‌ساز پدید آمد(در مناطقی چون تپه گوران، لرستان، علی‌کش دهلران). با اختراع چرخ سفالگری در اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم ق.م و پیشرفت فناوری پخت سفال که می‌توان نمونه‌هایی از سفالینه‌های منقوش با کیفیت مناسب را در کلیه مناطق فلات ایران تا حدود سه هزار سال پیش از میلاد با ویژگی‌های اختصاصی هر منطقه مشاهده کرد. شاخص‌ترین آثار از تپه سیلک در کاشان، تپه حصار دامغان، تل باکون فارس، شوش، تپه زاغه ی قزوین، چشمه علی ری به دست آمده است. اشکال و تزئینات این سفالینه‌ها بیشتر تزئینات هندسی و نقوش انسانی و جانوری است. نمونه‌های شهری فلات ایران به تاریخی بیش از هزاره چهارم قبل از میلاد می‌رسد. در این شهرها از لوح‌های گلی برای نگارش استفاده می‌شد که عمدتاً به صورت خطی و تصویری در ایلام قدیم و برخی مناطق از جمله تپه سیلک، شهر سوخته‌ی، گودین تپه و به طور مشخص در شوش دیده شده است.

در هزاره سوم قبل از میلاد تمدنی پر رونق در جنوب شرقی ایران (کرمان، شهداد، تپه یحیی، و تمدن دشت لوت) پدید آمد که ارتباطش با میان رودان (بین‌النهرین) کمتر و تبادلات فرهنگی و هنری اش با محدوده‌های بلخ جنوبی یا شمال افغانستان و شمال شرق فلات ایران بیشتر است. برجسته‌ترین اثر به دست آمده از این دوران پرچم مسی شهداد (تصویر ۱-۲) با نقش فردی نشسته بر تخت با مناظر پیرامون می‌باشد.

۱-۲- درفش مسی شهداد-اولین پرچم شناسایی شده ایرانی، این پرچم تاریخی که بر روی آن نقش درخواست آب از الهه باران حک شده مربوط به منطقه شهداد کرمان است. هزاره سوم ق.م، موزه ملی ایران

بیشترین آثار بدست آمده متعلق به مناطق باستانی تپه سیلک، گوران کرمانشاه، علی کش دهلران، گنج دره هرسین (کرمانشاه) است. در اینجا به شاخص ترین آنها که در جهان شناخته شده‌اند پرداخته می‌شود.

سیلک

تپه‌ی سیلک (تصویر ۲-۲) در شهر کاشان واقع شده است. قدمت آن به هزاره‌ی ششم ق. م باز می‌گردد.

در حفاری‌های سیلک شاهد قبرهایی هستیم که در آنها ظروف، اسلحه و جواهرات مفرغین همراه با جنازه‌ها دفن شده‌اند. در تپه سیلک کمتر به مصنوعات از طلا و نقره برمی‌خوریم. شهرت تپه‌ی سیلک بیشتر به واسطه کوزه‌ها و دیگر ظروف سفالین رنگین و منقوشی است که از حفاری‌های بدست آمده است (تصویر ۳-۲). تزئینات این ظروف یا هندسی، یا نقش جانوران تلفیقی و یا تلفیقی از هر دو است. زیبایی شکل و تناسب رعایت شده در ساخت ظروف واقعا قابل تحسین است. در رنگ آمیزی این ظروف از رنگ‌های سفید، خاکستری، طیف قرمز (از صورتی تا بنفش) استفاده شده است. هنرمندان سفالگر در رنگ آمیزی این ظروف گاهی از رنگ طبیعی گل یا سفال، که طوسی یا شیری یا قرمز بوده، بهره جسته‌اند. ترکیب نقوش جانوری و هندسی در این ظروف بسیار بدیع و زیباست.



۲-۲ دو خاکریز بزرگ باستانی تپه سیلک کاشان، حفار گریشمن ۱۳۱۵-۱۳۱۲- بین هزاره ۶ تا هزاره اول ق. م



۲-۳ پارچ دهانه نلودانی (ظروف منقاری) نقوش هندسی و حیوانی قرمز رنگ بر زمینه کرم، عصر آهن ۲ (۸۰۰-۱۰۰۰ ق.م) - تپه سیلک، بلندی ۱۹/۴ cm

سفالگری از جمله هنرهایی است که با زندگی روزمره مردم سروکار دارد و اساساً هنری مردمی است که ارزش آن را تنها باید در ذوق و حس زیبایی شناسی مردم یک تمدن جستجو کرد.

مارلیک (چراغعلی تپه ، اواخر هزاره دوم ق . م - اوایل هزاره اول ق . م)

منطقه‌ی مارلیک در دره گوهر رود (در شمال ایران ، نزدیک سفید رود) واقع شده است. بیشتر آثار مارلیک از دل قبرها کشف شده‌اند. ابعاد قبرها متفاوت است و کوچکترینشان ۱×۲ متر است و وسعت قبرهای بزرگ تا ۶×۵ متر هم می‌رسد. در قبرهای مارلیک (که عمدتاً آرامگاه سلاطین و بزرگان این منطقه بوده است) آثاری از جنس مفرغ، طلا، نقره (تصویر ۴-۲)، و سفال کشف شده است. عمده‌ی این آثار را جام‌ها، پیاله‌ها و تندیس‌های کوچک انسانی و جانوران تشکیل می‌دهند. زیورآلات کشف شده مارلیک شامل مهره‌های طلائی و تزئینات چهار حلقه‌ای می‌باشد.

از مقایسه آثار مکشوف از تپه سیلک با مصنوعات ساخته شده از طلا و نقره مارلیک، می‌توان احتمال داد که اهالی مارلیک متمول‌تر و مرفه‌تر از ساکنین سیلک بوده‌اند.



الف

ب

۵-۲ - ظرف پرداخت شده سفالی خاکستری به شکل گاونر کوهاندار (ورزاو)، تپه مارلیک اواخر هزاره دوم ق. م. ۱۶ cm



۴-۲ - جام نقره ای با نقش برجسته ، اواخر هزاره دوم ق. م. نمایش اسبها در بالای حلقه وسط و حمله شیر بالدار به بز کوهی در پایین حلقه ، مارلیک ، بلندی ۱۴ cm

آثار منحصر بفرد و ویژه تپه مارلیک گاو کوهاندار (تصویر ۵-۲) است که سر آن به ناودان تبدیل شده و محل ریزش مایعات است.

لرستان

لرستان از مناطقی است که به واسطه کشف آثار مفرغین زیبا و استثنایی شهرت یافته است (صنعت مفرغ بین ۱۵۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد در لرستان رواج بسیار داشته است). بخش هایی از لرستان را دشت های سبز و وسیع تشکیل می دهد که مکان مناسبی برای پرورش اسب بوده و هست. ایلامی ها اسب های خود را از لرستان تأمین می کردند. در کنار پرورش اسب، ما شاهد آثار زیبایی هستیم که به نحوی با اسب های ورزیده لرستان مربوط می شوند (تصویر ۶-۲). انواع دهنه ها، پوزه بندها و دیگر تزئینات و یراق های سوارکاری از این جمله اند.

از مقبره های مکشوف در لرستان مقدار بسیار زیادی مفرغینه ی زیبا و گرانبها کشف شده است که حیوانات موضوع اصلی آنها هستند که برخی به صورت موجودات افسانه ایی و گاهی با ویژگی های انسانی بیان شده اند. موضوع تکراری آنها عمدتاً بز و شیر است.

به غیر از تجهیزات اسب، انگشتر، مهر، خنجر و تبرزین نیز از این مقابر بدست آمده است. کشف این آثار از درون قبرها نشان می دهد که مردم لرستان در هزاره دوم و اول قبل از میلاد همراه اموات خود تجهیزاتی



۲-۶ - دهنه ی اسب ، بزهای بالدار مفرغی، لرستان ، سده ۱۰ تا ۷ قبل از میلاد

را نیز به خاک می سپردند. کثرت تعداد مفرغینه‌های مربوط به اسب، از جایگاه مهم این جانور در فرهنگ آن مردم حکایت دارد.

در تصویر (۷-۲) نمونه دیگری از مفرغینه‌های زیبای لرستان را مشاهده می‌کنید. با دقت در انحنای زیبای لبه تبرزین و ظرافتی که در تزئینات آن بکار رفته است معلوم می‌شود اثری چنین هنرمندانه قطعاً پشتوانه‌ی سنتی قوی، غنی و طولانی داشته است.

ایلام

ناحیه‌ای در بخش جنوب غربی ایران در هزاره سوم قبل از میلاد در سه دوره ایلام آغازین، میانه و جدید با مرکزیت شوش شکل گرفت. سیر تکاملی فرهنگی، هنری این تمدن به دلیل برخورداری از روش‌های مناسب آبیاری و کشت و پرورش گیاهان، شکوه و عظمت یافت. از دیگر شهرهای ایلامی می‌توان به انشان، هفت تپه و چغامیش اشاره کرد. اما شوش به عنوان یکی از مهم‌ترین مناطق باستانی تا دوره‌های بعدی نیز توانست همچنان رونق خود را حفظ کند.

نمونه‌هایی از آثار نوشتاری ایلام آغازین حدود سه هزار قبل از میلاد بدست آمده است. از نمونه‌های سفالینه‌های ایلام می‌توان به سفالینه‌های موسوم به کفتری (کیوتری) نخودی رنگ با تصاویر ردیفی پرندگان اشاره کرد که از تپه «هلیان» بدست آمده است. مهم‌ترین آثار فلزی شناخته شده ایلام پیکره مفرغی



۸-۲- مجسمه شاهزاده ناپیراسو، ایلام، ۱۳۰۰-۱۲۵۰ ق. م. مفرغ و مس، موزه لور پاریس



۷-۲- سر تبر مفرغی، لرستان، سده ۱۰ تا ۷ ق. م. بلندی ۲۰/۵ cm



۲-۹- معبد چغازنبیل، حفاری سالهای ۱۳۴۱-۱۳۳۰

«ناپیر آشو» (ناپیر آشو) (تصویر ۸-۲) همسر فرمانروا «اونتاش ناپیرشا» است که متعلق به سده ی سیزده قبل از میلاد می باشد.

شاخص ترین اثر معماری به جا مانده ایلامی معبد چغازنبیل (تصویر ۹-۲) که قدمت تقریبی آن به ۱۲۵۰ ق.م (حدود ۷۰۰ سال قبل از سلطه ی شاهنشاهی هخامنشی) باز می گردد. این اثر که از سوی یونسکو بعنوان یکی از مفاخر میراث فرهنگی جهانی به ثبت رسیده، گواه استواری بر قدرت و غنای فرهنگ کهن ایران است. زیگورات^۲ زیبا و با عظمت چغازنبیل بصورت برج پنج طبقه ساخته شده است.

این بنا در نزدیکی شهر شوش در استان خوزستان کنونی توسط اونتاش ناپیرشا (اونتاش گال) برای اینشوشیناک خدای شهر شوش ساخته شده است. بخشی از تزئینات ساختمانی این معبد را آجرهای لعابدار تشکیل می دهند. از دیگر آثار هنری ایلامی مهرهای استوانه ای لعابی و شیشه ای است (تصویر ۱۰-۲ و ۱۱-۲).



۲-۱۰- لوح نوشتاری سفالین دیواری لعابدار، چغازنبیل به نام فرمانروا اونتاش ، ناپیرشا، سده ی ۱۴ ق.م. حدود ۳۷/۵ cm

ماد

حضور تاریخی مادها به سده نهم پیش از میلاد باز می گردد. آنها تیره ای از اقوام هندو اروپایی بودند که باعث اتحاد و هماهنگی ایران شدند. در سده هفتم قبل از میلاد گروه های گسترده ای از مادها پیرامون همدان کنونی (هگمتانه یا اکباتان) گرد آمدند، و پارسیان در سرزمین باستانی پارس^۳ مستقر شدند. و این دو قوم (مادی و پارسی) سرزمین گسترده ایران را پدید آوردند.

مادها در سال ۶۱۲ ق. م به رهبری کیاکزار همراه با اتحاد بابلی ها سرزمین آشوریان را در نیمروز و



۲-۱۱- آویز از سنگ یمانی، آبی کمزنگ با کتیبه ایلامی، سده ی ۱۲ ق.م. ۴cm

۲. زیگورات برج های چند طبقه از خشت و آجر بصورت بناهای عظیم کوه مانند در تمدن ایلام و بین النهرین بوده است.

۳. پارسوا و پارسوماش

نینوا به تسخیر درآوردند و در حدود ۵۹۰ ق.م مادها بر نواحی شمال عراق کنونی مستقر شدند و توانستند تمامی سرزمین امپراتوری آشور را تحت تسلط خود درآورده و کلیه مناطق آناتولی تا مرکز فلات ایران را تحت نظارت خود درآورند. همچنین منطقه بلخ (افغانستان شمالی) تا حدود رودخانه جیحون (آمو دریا) را نیز تصرف کردند. از این رو در نیمه نخست سده ششم پیش از میلاد محدوده قلمرو مادها ناحیه وسیعی را در غرب از رودخانه هالیس (قزل ایرماق کنونی) در سرزمین لیدیه آسیای صغیر (ترکیه کنونی) تا شرق (جیحون) در بر گرفت.

مهم‌ترین آثار بدست آمده از گنجینه جیحون (تصویر ۱۲-۲) آثار طلایی است. از یافته‌های معماری مادها در مناطق همدان، ملایر (نوشی جان تپه) و کنگاور (گودین تپه) دیده شده است (تصویر ۱۳-۲). اولین سفالینه‌های منقوش و رنگین در فلات ایران نیز از دوران مادها بدست آمده است (تصویر ۱۴-۲).



۱۲-۲ - طرح ارابه طلایی با سربازان ماد، گنجینه جیحون، سده ۵ و ۴ ق.م، ۱۸/۸ cm



۱۴-۲ - کاشی گلی باباجان لرستان شامل ۱۷۶ عدد در کف تالار ۴۷ × ۴۱/۵



۱۳-۲ - چشم انداز منطقه مادنشین نوشی جان، شامل چهار ساختمان روی صخره

شاخص معماری ماد در خانه‌های کشف شده در هگمتانه، وجود کاخی در نوشی جان تپه و گور دخمه‌های "دکان داوود"، "داو دختر" (ممسنی فارس)، شیرین و فرهاد (سراب صحنه در راه همدان به کرمانشاه)، سکاوند (هرسین کرمانشاه)، قیزقاپان (سلیمانیه عراق) و فخریکا (شمال شرقی مهاباد) و ... است. در دست نبودن آثار مربوط به مادها و بقایای آنها شاید به دلیل تسلط یافتن هخامنشیان در دوران بعدی باشد که به لحاظ گستردگی و عظمت آنها را پوشش داده است.

پرسش

- ۱- قدیمی‌ترین آثار سفالی فلات ایران در چه مناطقی به دست آمده و شامل چه نقوشی است؟
- ۲- شهرت تپه‌ی سیلک به واسطه‌ی چه آثاری است؟ توضیح دهید.
- ۳- آثار به دست آمده از مارلیک را چه چیزهایی تشکیل می‌دهند و چه خصوصیتی دارند؟
- ۴- صنعت مفرغ در کدام منطقه رواج داشته است؟ آثار به دست آمده‌ی این منطقه دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۵- معبد چغازنبیل در کدام منطقه واقع شده و مربوط به چه تمدنی است؟ خصوصیات آن را بیان کنید.

هخامنشی

سراغاز دوران هخامنشی به سال ۵۵۰ قبل از میلاد و با سرنگونی آخرین پادشاه ماد یعنی «آستیاک»^۴ شروع گردید. کوروش کبیر^۵ پس از به قدرت رسیدن در سالهای ۵۴۶-۵۴۷ قبل از میلاد سرزمین لیدیه و سارد را فتح نمود و از این رو بخش غربی آناتولی را نیز تحت تسلط خود قرار داد و در سال ۵۳۹ ق.م. سرزمین‌های میان رودان (بین‌النهرین) و بابل را فتح کرد و سپس سوریه و فلسطین امروزی به قلمرو پادشاهی هخامنشی اضافه شد و کمبوجیه دوم پسر بزرگ کوروش به مصر حمله و آن را نیز تصرف نمود. گستره عظیمی از سرزمین‌های مدیترانه تا شرق و از دریای سیاه تا سرزمین‌های بادیه نشین و صحرای جنوبی (صحرای عربستان) به تصرف کوروش درآمد و امپراتوری بزرگ ایران را پایه گذاری کرد. کوروش پایتخت خود را هماهنگ با موقعیت پادشاهی‌اش در



تصویر ۱۵-۲- کاخ آپادانای کوروش، پاسارگاد، سده‌ی ۵ ق.م.

پاسارگاد^۶ بنا نهاد (تصویر ۱۵-۲).

۴. «آستیاک» (Astyages) آخرین پادشاه ماد، پدر ماندانا (مادر کوروش)

۵. کوروش پسر کمبوجیه اول

۶. پارسه گرد = اردوگاه پارسیان



۱۶-۲- نقش برجسته سنگی انسان بالدار پاسارگاد، سده ۵ ق.م

در پاسارگاد ساختمانهایی با قابلیت های متفاوت وجود دارد، شامل دروازه ورودی، دو کاخ کوچک و برج سنگی معروف به «زندان سلیمان» و سکوی سنگی بزرگی موسوم به «تل تخت» که به احتمال کاخی است که هیچگاه ساخته نشد و نقش انسان بالدار (تصویر ۱۶-۲) بر روی پایه سنگی با کتیبه هایی به زبان پارسی ایلامی و بابلی و بعدها مقبره کوروش به این مجموعه اضافه گردید (تصویر ۱۷-۲).

کاخ های موجود دارای راهروهای ستون دار و ایوانهایی در جوانب آن می باشد که میان آنها باغ وسیعی وجود داشته است. این باغ به واسطه روشی با مسیرهای سنگی آبیاری می شده که این نوع باغ سازی نمونه باغ های رسمی ایرانی می باشد که حتی تا دوران اسلامی تداوم داشته است. از دیگر آثار متعلق به این دوران کتیبه ی بیستون است که شرح حال دوران داریوش را ثبت کرده است (تصویر ۱۸-۲).

کتیبه های میخی دوران هخامنشی به سه خط «پارسی باستان»، «بابلی» و «ایلامی» نگاشته شده که شاخص آن را می توان در «پاسارگاد»، «بیستون» و «گنج نامه» در عباس آباد همدان مشاهده کرد (تصویر ۱۹-۲).



۱۷-۲- مقبره کوروش، پاسارگاد، سده ۵ ق.م.



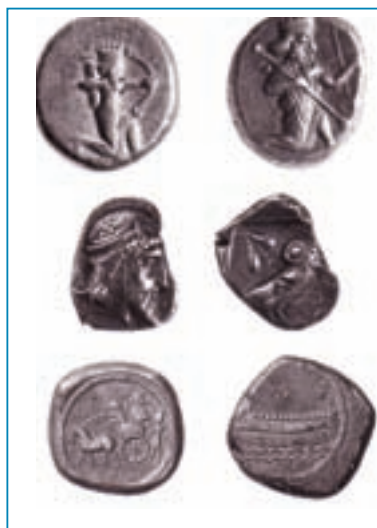
۱۸-۲- نقش برجسته بیستون، فرمان داریوش در سال ۵۱۹-۵۲۰ ق. م و صحنه پیروزی بر گئومات، کوه بیستون نزدیک کرمانشاه، سده ۵ ق. م.



۱۹-۲- گنج نامه، کتیبه های سه زبانه پارسی باستان، ایلامی و بابلی، عباس آباد همدان، سده ۵ ق. م.

داریوش پس از کوروش شاهنشاهی هخامنشی را با فتح هندوستان از دره سند تا شمال دریای سیاه گسترش داد.

تجارت دریایی و کشتیرانی، ضرب سکه (تصویر ۲۰-۲)، کاربرد خط میخی الفبایی بر روی کتیبه‌ها ساخت کانال سوئز (ایجاد مسیر کانالی در مصر بین دریای سرخ و نیل)، ساخت اولین جاده شاهی (بزرگراهی از شوش تا سارد) از اقدامات مهم دوران داریوش است (تصویر ۲۱-۲).



۲۰-۲- سکه‌های هخامنشی، دوران داریوش
سده ۵ ق. م



۲۱-۲- مسیر جاده شاهی در قلمرو حکومت هخامنشی

در این دوره هخامنشیان چهار پایتخت داشتند : پاسارگاد ، شوش ، بابل و هگمتانه . آثار شاخص این دوره کاخ آپادانای شوش و کاخ تخت جمشید و مجموعه نقش رستم^۷ است.

مهمترین و وسیعترین اطلاعات ما نسبت به معماری هخامنشیان از کاخ پارسه یا تخت جمشید (پرسپولیس) به دست آمده است (تصویر ۲۲-۲). این کاخ در سال های ۵۲۰ تا ۴۶۰ ق.م در زمان زمامداری داریوش و خشایار شاه بنا گردید . از ویژگی های بارز معماری تخت جمشید استفاده از ستون های تنومند و بلند است. محوطه کاخ مشتمل بر چند تالار پذیرایی، از جمله تالار آپادانا و تالار تاجگذاری که به آن تالار صد ستون هم گفته می شود. تالار آپادانا مکانی مربع شکل که جمعاً ۷۲ ستون سنگی با بلندی هر ستون از پایه تا سر ستون حدود ۲۱/۸ متر است (تصویر ۲۳-۲). پایه ی ستون های به کار رفته در این کاخ یا چهار گوش است یا مدور (تصویر ۲۴-۲). که ستون های کنگره دار و سر ستونی عظیم آنها را حمل می کنند

بر فراز همه اینها تاج (به شکل دو جانور پشت به پشت) محل اتصال تیرکهای افقی است که این تیرهای چوبی را بر فرورفتگی زین مانند پشت خود حمل می کرده اند. مشابه همین ستون بندی و معماری را می توان در کاخ شوش نیز مشاهده کرد (تصویر ۲۵-۲).

کاخ تخت جمشید بر روی صفاهی مرتفع واقع شده است. تنها راه ورود به تالارهای تخت جمشید ورود از جبهه ی غربی صفاه است. در آنجا در دل بدنه های مزین به نقش برجسته سربازان، دو رشته پلکان و پاگرد روبروی هم قرار دارند. عرض این پله ها ۷ متر و بلندی هر پله که تعداد آنها در هر طرف به ۱۱۱ می رسد، تنها ۱۰ سانتی متر می باشد (تصویر ۲۶-۲).

۷. در نقش رستم مقابر ۴ پادشاه هخامنشی داریوش کبیر . خشایار شاه . اردشیر اول و داریوش دوم و کعبه زرتشت وجود دارند .



۲۲- چشم انداز کلی تخت جمشید، از طرف کوه رحمت در شرق ، سده ی ۵ ق.م.



۲۳- نمای جانبی تخت جمشید ، پلکان شرقی و بارگاه ملاقات رسمی آپادانا ، کاخ داریوش ، سده ی ۵ ق.م.



۲۴- طرح پایه ستون های آپادانا



۲-۲۵- سرستون سنگی با نیم تنه دو سر گاو ، حفاری شده در سال ۱۸۵۲، تالار آپادانا در شوش



۲-۲۶- نقش برجسته تخت جمشید همراه با نمایش پلکان ورودی جناح جنوبی سمت شرق آپادانا در تخت جمشید

گفتنی است که معماری هخامنشیان دارای عناصر متعددی است که از سنت معماری آشوری، بابلی و مصری اخذ گردیده است که همراه با ویژگی های مختص پارسی هنری با شکوه را پدید آورده است. در این دوره خبری از زیگورات ها و معابد نیست بلکه اوج خلاقیت را در قالب معماری کاخ ها می بینیم. ممکن است این تردید ایجاد شود که اساساً مردم در دوران هخامنشی اعتقادات محکم مذهبی نداشته اند و اینکه گرایشات دنیوی موجب گشته که اثری از معابد و پرستشگاهها باقی نماند. در تبیین این دو موضوع باید یادآوری کنیم که مردم ایران باستان پارسی مذهب بودند. پارسیان پابند تعالیم زرتشت بوده، اعتقادات دینی شان با ادیان بین النهرین (میان رودان) تفاوت داشت.

زرتشتیان پهنه ی عالم را صحنه جدال میان روشنایی (خیر) و تاریکی (شر) می دانند و به واسطه پاس داشتن نیکی و خیر و نور، «آتش» را که نمادی از این صفات و مظهر اهورا مزداست نیایش می کرده اند. از آنجا که آیین نیایش اهورا مزدا در آتشگاه های روباز صورت می گرفته، لذا از پارسیان باستان، کمتر معماری دینی به جای مانده است.

مضمون کتیبه های تخت جمشید نیز همگی از حضور روح دینی و تکیه بر اهورا مزدا در انجام امور مملکتی حکایت می کند. بهترین نمونه هنر حجاری هخامنشی را می توان در نقش برجسته های سنگی تخت جمشید جستجو کرد. بدنه دیوارها و ایوان های این کاخ با نقش برجسته هایی تزئین یافته که تصاویر سپاهیان شاهی و اشراف «پارس» و «ماد» را نشان می دهد. این

همان مسیری است که میهمانان خاص خارجی و داخلی از طریق آن بار می یافتند و هدایای خود را به پیشگاه پادشاه تقدیم می کردند. مطالعه ی مجموع این نقش برجسته ها ما را از کیفیت جشن های برگزار شده در این کاخ، که قطعاً «نوروز» (عید کهن ایرانیان) مهمترین آنها بوده، آگاه می سازد (تصویر ۲۷-۲). هنر حجاری این دوره آمیزه ای است از قدرت، وقار و ظرافت، همراه با تجربیات هنری اعصار قبل که به مرتبه ای از کمال رسیده اند. ظرافت در پرداخت جزئیات در این آثار به چشم می خورد. نشان دادن



۲۷-۲-نقش برجسته کاخ آپادانا



چین لباس و افت پارچه نیز از مواردی است که هنرمندان هخامنشی به آن پرداخته اند. در نقش برجسته ی تاج گذاری داریوش (تصویر ۲۸-۲) نظم و وقار نه تنها در شیوهی نشستن داریوش و ایستادن خشاریار شا (در پشت او) آشکار است بلکه این انضباط را می توان در چین و افت لباسها نیز مشاهده کرد که در عین نظم، نرمی و لطافت خود را حتی در ناحیه ای که دستها و بازوان را پوشش داده اند، حفظ کرده اند.

جانوران در آثار هنری ایران باستان جایگاه ویژه داشته اند. در میان جانورانی که موضوع آثار هنری هخامنشی قرار گرفته اند «شیر»، «بز» و «گاو» از همه مهمترند، شیوه نمایش جانوران در تخت جمشید، در خور تحسین است.

تصویر ۲۹-۲ منظره ای است از نبرد شیر و گاو که بر دیوار پلکان شرقی آپادانا نقش بسته است. طراح این نقش برجسته در عین آگاهی کامل از کالبد شناسی این دو جانور، با استادی خلاقانه ای مبادرت به تفکیک و ساده نمودن اجزای تصویرپرداخته است. از سوی دیگر با افزودن عناصر تزئینی ظریف و پرکار (مثل یال شیر و موهای منظم و حلقه شده ی دور گردن و زیر شکم گاو)، توازنی چشم نواز و با شعور پدید آورده است.

۲۸-۲- منظره تاجگذاری داریوش بر یکی از دروازه های تخت جمشید



۲۹-۲- نبرد شیر با گاو، پلکان شرقی کاخ آپادانا، تخت جمشید

خلاقیت، هنر و دانش کالبد شناسی، هنرمندان هخامنشی را در پدید آوردن نقوش بدیعی از جانوران اساطیری یاری نموده است که نمونه ای از آن را در (تصویر ۳۰-۲) مشاهده می کنیم. نقش این موجودات اساطیری راه می توان بر سر ستونها، نقش برجسته های دقیق (تصویر ۳۱-۲) و همچنین در قالب نگهبانان عظیم الجثه دروازه های کاخ (تصویری ۳۲-۲) یافت.

هنر حجاری ایرانی از مرز ایران نیز فراتر رفت و موجب ظهور آثاری گشت که امروز هم از شهرت بسیار برخوردارند. از آن جمله است ستون معروف سرنات که در عهد امپراتور آشوکا، در هند بنا گردید و امروزه به عنوان سمبل دولت هند، نقش آن در همه جای این کشور پهناور آذین بخش مدارک رسمی دولتی، اسکناسها و سکه های رایج هند است.

باید اعتراف کنیم که در بیان قدرت، ظرافت و خلاقیت هنری ایرانیان باستان آثار سنگی که عمدتاً به عنوان بخشی از معماری محسوب می شوند، نمی توانند کاملاً گویا باشند. این آثار که تاثیرات فرسایشی باد و باران و آفتاب و سرما و گرما را در طی قرون و اعصار بر تن خود تحمل کرده اند، امروز دارای طراوت و ظرافت اولیه خود نیستند. اما خوشبختانه آثار دستی بسیاری به دست ما رسیده که بیانگر اوج دقت، ظرافت و هنر آن دوران است. از دیگر آثار بدست آمده می توان به ظروف، اشیای تزئینی و زیورآلات اشاره نمود. (تصاویر ۳۳-۲ تا ۳۶-۲)



۳۰-۲- نبرد با یک جانور اساطیری - بخشی از نقش برجسته کاخ داریوش تخت جمشید، بلندی ۲۶۰ cm - سنگ آهک



۳۲-۲- نمای دروازه ورودی کاخ خشایارشا، تخت جمشید



۳۱-۲- نقش برجسته، کاخ داریوش، تخت جمشید



۲-۳۴- جام نقره ای با روکش طلا ، بلندی ۲۵cm ، هخامنشی
موزه ویکتور یا آلبرت



۲-۳۳- دستنبد طلا سدهی ۵ ق.م. هخامنشی ، موزه ویکتور یا آلبرت



۲-۳۶- بز بالدار (دسته کوزه) از جنس مفرغ و طلا
موزه لوور پاریس



۲-۳۵- کاسه نقره با کتیبه میخی پارسی باستان ، اردشیر اول (۴۲۴-۴۶۵ ق.م) قطر
۲۹cm

اشکانیان

بین سالهای ۲۳۸ ق. م تا حدود ۲۳۴ ق. م جریانات خاصی در ایران و آسیای غربی با هجوم قوای نظامی یونانی پدید آمد که دوران ویران‌گری و تخریب آثار علمی و فرهنگی و نابود شدن آثار و مراکز مهم دوران هخامنشیان می‌باشد. از این رو این مناطق بدست دولت‌های محلی با گرایش‌های یونانی‌گری اداره می‌شد هر چند که تقسیمات اداری شاهنشاهی هخامنشی و ساتراپ‌نشین‌ها^۸ همچنان حفظ شده بود که هدف آن ایجاد نوعی فرهنگ آمیخته و تلفیقی ایرانی یونانی با طبقه حاکم ایران بوده است. این دوره در ایران به نام دوره سلوکی شهرت یافته است.

آثار محدودی از تأثیر هنر یونان در این زمان در دسترس است که می‌توان به پیکره هرکول در بیستون (تصویر ۳۷-۲)، معبد خورهه در محلات و پرستشگاه شمی در ایذه خوزستان که از نمونه‌های بارز آن است اشاره کرد.



۳۷-۲- هرکول خوابیده، سنگ، کوه بیستون، دوره سلوکی، سده‌ی سوم ق. م.

۸. ایالت‌نشین قدیم ایران

در حدود سال ۲۳۸ ق. م طی جدال در سیطره قلمرو ایران ارشک توانست قدرت ساتراپ نشین پارت^۹ را در شرق دریای خزر بدست گیرد. ارشک بنیان گذار سلسله پادشاهی اشکانیان یا پارتیان است که تمامی مناطق گستره‌های فرهنگ یونانی‌گری (سلوکیان) را بدست آورد.

تابوت‌های سفالین (تصویر ۳۸-۲)، ایجاد خط و زبان فارسی میانه (اوستایی و پهلوی)، ضرب سکه‌های اشکانی، آثاری از جنس عاج، معبد سازی (معبد آناهیتا) (تصویر ۳۹-۲)، پیکره های مفرغین بزرگ (از معبد شمی) (تصویر ۴۰-۲)، شیوه دوخت پوشاک به دو صورت پاجامه و تن جامه، روش شهرسازی دایره ای، ایجاد طاق و قوس و ساخت ایوان در معماری، استفاده از ملات سنگ، گچ و گچ کاری در تزئینات (در قلعه یزد گرد در قصر شیرین)، اولین نقاشی دیواری کوه خواجه در سیستان (تصویر ۴۱-۲) و دورا اوروپوس در سوریه، شیشه، جواهر سازی (تصویر ۴۲-۲) و ... همگی از هنرهای مهم دوران اشکانیان به حساب می آیند.



۳۸-۲ - تابوت سفالی لعابداز (اوروک)، دوره اشکانی، سده اول و دوم میلادی، ۱۹۶cm



تصویر ۴۰-۲ - پیکره مفرغی، دوره اشکانی از معبد شمی، سده دوم میلادی



۳۹-۲ - ستونهای معبد آناهیتا، اشکانی - ساسانی، کنگاور، سده اول تا سوم میلادی

۹. پارت نام یکی از اقوام ایرانی ساکن شمال شرقی ایران است. نام ایالت پرسوه در کتیبه های بیستون و نقش رستم به چشم می خورد. آنها که قومی چادر نشین و بیابانگرد در زمان هخامنشیان هستند از قدرت و اهمیت چندانی برخوردار نبوده اند.



۴۱-۲- نقاشی دیواری ، شاهزادگان ، کوه خواجه ، دوره اشکانی ، سده‌ی اول میلادی



۴۲-۲- جواهرات طلایی دوره اشکانی ، کشف ۱۹۱۱-۱۹۱۰ ، نهبوند ، سده‌ی اول و دوم میلادی

ساسانی

در سال ۲۲۴ میلادی آخرین پادشاه اشکانی اردوان چهارم مغلوب اردشیر ساسانی شد. سلسله ساسانی

وارث یکی از سه امپراتوری بزرگ دوره خود بود. این سه امپراتوری عبارت بودند از امپراتوریهای ایران، چین و روم. این سه قدرت در عین رقابت، با پیوندهای تجاری استواری به هم مرتبط بودند از طریق همین پیوندهای تجاری پایه‌ی تبادلات فکری، اعتقادات دینی و آفرینش‌های هنری نیز بنا نهاده شد و این به معنی ارتباط وسیع و عمیق شرق و غرب بود. البته، این روابط چندان دوستانه هم نبود و گاه به درگیری‌هایی هم منجر می‌شد. منابع تاریخی و آثار هنری به جنگ‌های ایران و روم در این عهد اشاره دارند (تصویر ۴۳-۲). این درگیریها گرچه به منظور دفع نفوذ و تسلط غرب بر ایران بود، اما در خلال همین نزاع‌ها ما شاهد تأثیرات فرهنگی و هنری دو طرف بر یکدیگر هستیم. در تصویر (۴۴-۲) قدرت و سلطه‌ی شاپور اول، پادشاه ساسانی بر رومیان نشان داده شده است.

هنگامی که نقش برجسته‌های ساسانی را با آثار مشابه هخامنشی مقایسه می‌کنیم درمی‌یابیم که وجه نمادین هنر هخامنشی بیشتر ترکیب اجزای بدن، نوع ایستادن و نشستن آن هم به صورت رسمی‌تر و ایستاتر است. در نقش برجسته‌های ساسانی نمادگرایی کاهش می‌یابد و در عوض واقع‌گرایی بسیار تقویت می‌شود، حرکات



۴۳-۲- نقش برجسته صخره‌ای در بیشاپور (تنگ چوگان)



۴۴-۲- پیروزی شاپور اول بر والرین، نقش رستم، سده‌ی سوم میلادی

طبیعی تر می‌شوند و موجودات (انسانها و جانوران)، که در نقش برجسته‌های هخامنشی حالتی اسطوره‌ای و فوق طبیعی داشتند، در آثار ساسانی زمینی‌تر و ملموس‌تر می‌شوند.

با مشاهده تصاویر (۲-۴۴ و ۲-۴۵) می‌بینیم که اسب‌ها در عین اینکه قدرت عضلانی اغراق آمیزی دارند، کاملاً واقعی و طبیعی به نظر می‌رسند. درمقایسه با تصویر (۲-۴۶) نمایش ویژگیهای جسمانی گاو و شتر، با وجود اینکه تناسبات طبیعی رعایت شده است، حالت وقار و نوعی رسمی بودن آیینی دیده می‌شود. حالتی که در آثار مشابه ساسانی بسیار کمرنگ شده و جای خود را به تحرکات و نمایش‌های واقع‌گرایانه داده است.



۲-۴۵- نقش برجسته صخره ای ساسانی، بخشی از اثر، بیشاپور (تنگ چوگان)

توضیح این که گرایش به نمایش طبیعی موجودات

در آثار هنری بخصوص در هنر یونان و پس از آن روم (که وارث هنر و تمدن یونانی بود) رواج بسیار داشت و ما این تأثیرات را در هنر ساسانی تا حدی شاهد هستیم. همچنین گرایش به واقع‌نمایی در شیوه‌ی ارائه انسان‌ها نیز دیده می‌شود (تصویر ۲-۴۷).

در نقش برجسته‌های فراز طاق بستان (تصویر ۲-۴۸) تصاویر فرشته‌های بالدار دو سوی آن تجانس خاصی با آثار مسیحی رومی دارند. از دیگر آثار باقی مانده از دوره ساسانی گچ‌بری می‌باشد که با نقوش تزئینی به جای مانده است (تصویر ۲-۴۹).

هنر معماری را در عهد ساسانی می‌توان در بقایای کاخ‌های بجا مانده از آن عصر نیز مشاهده کرد. کاخ اردشیر (فیروزآباد) (تصویر ۲-۵۰) کاخ بیشاپور (نزدیک کازرون، فارس)، طاق کسری یا کاخ تیسفون (در عراق کنونی) (تصویر ۲-۵۱)، عمارت خسرو واقع در قصر شیرین (تصویر ۲-۵۲) نمونه‌هایی از این آثار هستند. تزئینات داخلی بسیاری از کاخ‌های ساسانی را لوحه‌هایی از ملات گچ و موزاییک (تصویر ۲-۵۲) تشکیل می‌دهند.



۲-۴۶- نقش برجسته، تخت جمشید، دوره هخامنشی، سده پنجم قبل از میلاد

دیگر آثار هنری ساسانی را ظروف (تصویر ۲-۵۳)، مهرها و سکه‌های بجای مانده تشکیل می‌دهند (تصویر ۲-۵۴). نقوش روی این آثار حاوی اطلاعاتی در مورد شرایط اجتماعی، نوع پوشش و آداب و رسوم آن عهد است. مثلاً تنها تماشای تصویر (۲-۵۳)، بر دانش ما نسبت به نوع تاج، لباس، اسلحه (کمان، شمشیر، ترکش) و تزئینات



۲-۴۸- طرح نقش برجسته طاق بستان ، دوره ساسانی ، سده ششم میلادی



۲-۴۷- سردیس ، شاپور دوم ، دوره ساسانی



۲-۵۰- کاخ اردشیر ، فیروز آباد ، سده سوم میلادی



۲-۴۹- لوح گچی قالب ریزی شده ، اواخر دوره ساسانی یا اوایل دوره اسلامی ، سده هفتم یا هشتم میلادی ، چال ترخان ، ری



۵۱-۲- طاق کسری ، ایوان مداین ، تیسفون ، دوره ساسانی



۵۲-۲- تزئینات موزائیک ، کاخ بیشاپور ، دوره ساسانی



۵۳-۲- بشقاب های نقره ای بهرام پنجم (شکار شیر) و شاپور دوم (شکار گوزن) ، دوره ساسانی



۵۴-۲- سکه های نقره ای ساسانی ، اردشیر اول (سده دوم میلادی) ، بهرام پنجم (سده پنجم میلادی) ، یزدگرد سوم (سده هفتم میلادی)

اسب در عهد ساسانیان می‌افزاید. هنگامی که این تصویر را با تصویر (۲-۵۵) مقایسه می‌کنیم درمی‌یابیم که شکار، خصوصاً شکار گراز، از ورزشها و تفریحات مورد علاقه‌ی پادشاهان ساسانی به شمار می‌رفته است. مهرها و گچبری‌های ساسانی آثار ارزنده‌ای هستند که شکل‌های انتزاعی و نمادینی را در بردارند که تا امروز نیز در هنر معاصر تاثیر گذاشته‌اند (تصویر ۵۶-۲).

این شباهتها و تفاوتها برای بیننده‌ی هوشیار حکایت از این واقعیت دارد که هنر و فرهنگ پدیده‌های زنده هستند و هویت انسان را تشکیل می‌دهد.



۲-۵۵- طرح صحنه شکار گاه، نقش برجسته اطراف طاق بستان، کرمانشاه، دوره ساسانی



۵۶-۲- کاشی لعابداری، تکیه معاون الملک، کرمانشاه، اواخر سده سیزدهم هجری

پرسش

- ۱- مجموعه پاسارگاد شامل چه بناهایی است؟ توضیح دهید.
- ۲- اقدامات مهم دوران داریوش را ذکر کنید.
- ۳- مذهب هخامنشیان چه بوده و چرا از آن دوران بناهای مذهبی به جای نمانده است؟
- ۴- حجاری های هخامنشی دارای چه ویژگی هایی است؟
- ۵- دوره ی سلوکی چگونه شکل گرفت؟ دو نمونه از آثار این دوره را نام ببرید.
- ۶- مهم ترین هنرهای دوران اشکانی را نام ببرید.
- ۷- در چه دورانی تأثیرات فرهنگی و هنری بین امپراتوری ایران، چین و روم صورت گرفت؟
- ۸- ابتدا تصاویر نقش برجسته های ساسانی را گرد آوری و سپس در کلاس راجع به تفاوت نقش آنها بحث کنید.
- ۹- با بررسی نقوش ثبت شده در دوران ساسانی چه اطلاعاتی می توان بدست آورد؟

فصل سوم هنر و تمدن میان رودان



هخامنشیان

ح ۵۳۹ ق. م

بابل نوین

ح ۷۰۰ ق. م

آشور - هیتی ها

ح ۱۶۰۰ ق. م

بابل

ح ۱۸۰۰ ق. م

سومر جدید

ح ۲۲۰۰ ق. م

اکد

ح ۲۴۰۰ ق. م

سومریان

ح ۴۰۰۰ ق. م

دوران نوسنگی



هنر و تمدن میان رودان (بین النهرین) فصل سوم



اهداف رفتاری :

پس از پایان این فصل از فراگیر انتظار می رود :

- ۱- جایگاه و اهمیت میان رودان (بین النهرین) را به منزله ی خاستگاه تمدن بشری توضیح دهد.
- ۲- جلوه های هنری این تمدن را اعم از معماری و پیکر تراشی شرح دهد.
- ۳- نقش اعتقادات را در شکل گیری آثار هنری این تمدن تجزیه و تحلیل کند.
- ۴- آثار هنری دولت شهرهای سومر، اکد، اور، بابل، آشور، بابل نوین و هیتی ها را به اختصار توضیح دهد.

هنر و تمدن میان رودان (بین النهرین)

بین سالهای ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م در سرزمینی هموار و حاصل خیز در میان دو رود دجله و فرات تمدنی پدید آمد که «میان رودان» یا «بین النهرین» نام گرفت. این منطقه از جنوب به شمال - از خلیج فارس تا کوه های ارمنستان و از شرق به غرب - از فلات ایران تا صحرای شام امتداد دارد. نواحی مرکزی میان رودان روزگاری به واسطه وجود شبکه بسیار وسیع و غنی آبهای طبیعی بسیار حاصلخیز بوده است لیکن پس از سپری شدن هزاران سال و تغییرات جوی و جغرافیایی، اکنون اغلب زمینهای این منطقه بایر و کم آب است.

نخستین مهاجران و اولین جوامع تشکیل یافته با عنوان سومریان شناخته شده‌اند که نخستین دولت‌شهرها را پدید آورده‌اند. ابداع خط میخی، ایجاد مدارس، حکومت ملی (دموکراسی)، به کارگیری گنبد و قوس همگی از این دوران سرچشمه می‌گیرد.

به مدت هزار سال سومریان دولت غالب در منطقه بوده‌اند، با این حال دولت‌های بعدی سومر جدید، بابل، آشور و ایران نیز به این نواحی سلطه یافتند. از این تمدن تعدادی مقبره، تندیس و آثاری در اور کشف شده است.

در «میان رودان» به دلیل نبود سنگ و مصالح ساختمانی مناسب، عموماً از خشت و آجر استفاده می‌شده و به همین جهت در حال حاضر چیز زیادی جز پی ساختمان‌ها بر جای نمانده است.

سومریان خدایان متعددی را پرستش می‌کردند و هر شهر خدای مستقل خود را داشت و فرمانروایان انسانی مردم را برای خدمت به این خدایان رهبری می‌کردند. سومریان در این منطقه که فاقد بلندی یا ارتفاعات بود، بناهای کوه مانندی را با آجر و خشت می‌ساختند. همان ساختمانهای عظیم الجثه و برج مانند چند طبقه که به «زیگورات» مشهور شده‌اند. این برج چند طبقه یا معبد، مرکز مهم مذهبی و زندگی شهری بود و همه عناصر شهری دیگر در اطراف آن قرار داشت. زیگورات اور (وارکا: الورقا) (تصویر ۱-۳) یکی از این نمونه‌ها می‌باشد.



۱-۳- زیگورات اور، نمای پلکان شمالی، عراق، ۲۱۰۰ قبل از میلاد



۲-۳- کتیبه و نقش برجسته ی سنگی با
پیکره های شماش (خدای خورشید)، بابل
سده نهم قبل از میلاد

در مطالعات تاریخ جهان باستان مکرر به منابعی برمی خوریم که از میان رودان به عنوان یکی از خاستگاه های تمدن بشری یاد کرده اند. این عقیده مبتنی بر قراینی است که در زیر به چند نمونه آن اشاره می شود.

الف - ابتدایی ترین و بهترین آثار کهن بدست آمده از کشاورزی نظام یافته، که نشانه ی زندگی گروهی و اجتماعی بشری است در این منطقه یافت شده است.

ب - ابزارسازی و دانش استفاده از فلزات از عواملی است که بنیان اقتصادی و توان فنی جوامع اولیه را نشان می دهد. سومری ها از اولین اقوامی بوده اند که به فن استفاده از فلزات آگاهی داشتند.

ج - خط و نوشته را شاید بتوان مهمترین اختراع بشری در طول تاریخ دانست چرا که نوشته ها مجرای انتقال اطلاعات و ثبت و ضبط تاریخ هستند. از سوی دیگر ظهور خط در یک جامعه کهن، نشان از رشد فکری و علمی و فرهنگی مردم آن اجتماع است. سومریان با اختراع «خط میخی» دوره ای را آغاز کردند که به عنوان «آغاز خط نویسی» شهرت دارد (حدود ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ ق.م). خط میخی رواج خود را تا هزاره اول قبل از میلاد همچنان حفظ کرد (تصویر ۲-۳).

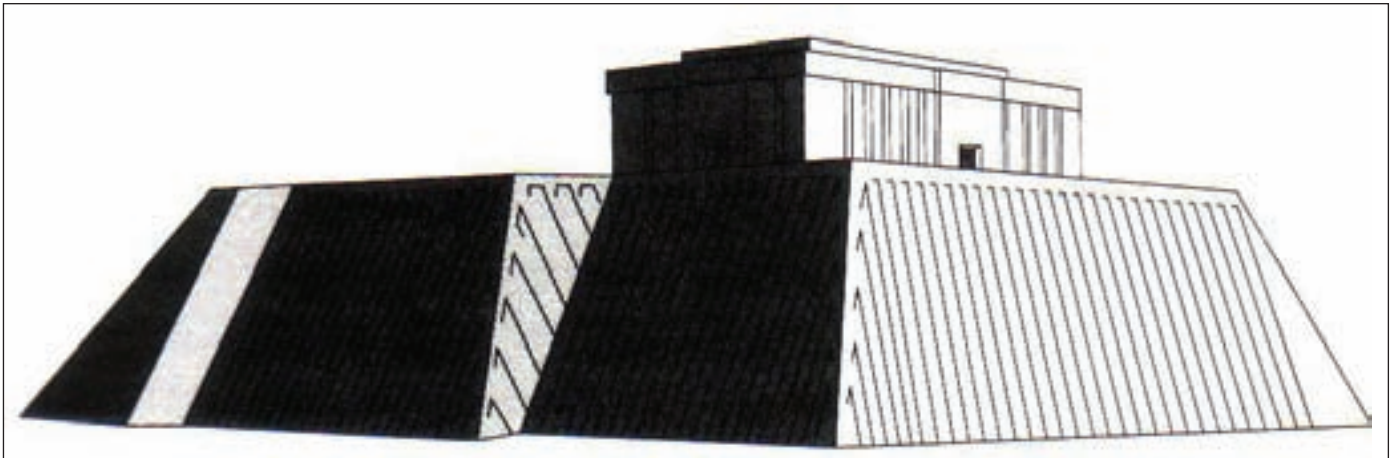
د - وجود شهرهای مستقل که از آنها با نام دولت شهر یاد می شود، نشانی از قدرت سیاسی و مدیریت شهری بوده است. در این منطقه انتقال از زندگی و اقتصاد ساده کشاورزی و روستایی به نظام پیچیده زیست و اقتصاد متمرکز شهری به سرعت انجام شد. از این رو میان رودان بستر جوامعی شد که نام «تمدن» (شهرنشینی) را شایسته ی خود ساخت. البته می توان شکل گیری سریع شهرهای میان رودان را، که اغلب دارای استحکامات و برج و بارو در اطراف شهر بوده، نتیجه ی اوضاع خاص سیاسی و تهاجمات مکرر نظامی دانست که از ویژگی های اجتماعی تاریخ این تمدن است.

سومر

دولت شهرهای سومری، قدرت خود را از خدای شهر و منتخب او می دانستند و پادشاهان، نماینده خدا بر روی زمین و پاسداران خزاین او محسوب می شدند. در ادیان سومری نوعی اتصال و هماهنگی میان دین و دنیا- یا به عبارت دیگر اقتصاد و معنویت - وجود داشته است. این ویژگی با شرایط خاص اجتماعی میان رودان ارتباط داشت. زیرا میان رودان بر خلاف همتای معاصر خود یعنی مصر (که تاریخی آرام و ساکن داشت) همواره در افت و خیزهای نظامی و سیاسی بود. برج و بارو و استحکامات شهرها از همین امر حکایت می کنند.

کاهنان و خدمه ی معابد، ضمن اجرای آئین ها و مناسک دین، مسؤول تنظیم و کتابت مخارج شهر

و داراییهای خداوند شهر بوده‌اند. مکتوبات بدست آمده از این دست در زمره نخستین نمونه‌هایی است که «خط» به خدمت حساسی و ثبت جزئی‌ترین پرداخت‌ها، دریافت‌ها و موجودی انبارها درآمده است. قدمت زیگورات‌ها نیز به حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد بازمی‌گردد. معبد سفید واقع در اوروک (تصویر ۳-۳) نمونه‌ای از این معابد است که نسبت به اهرام مصر قدمت بیشتری دارد. مصالح بنای زیگورات خشت خام بود و به همین دلیل در قیاس با معابد سنگی و آجری مصر دوام کمتری داشته است. اما صرف نظر از نوع



۳-۳- طراحی بازسازی شده از معبد زیگورات سفید اوروک، عراق ۳۲۰۰-۳۰۰۰ قبل از میلاد

مصالح، زیگورات‌ها از طرح زیبا و مبتنی بر دانش وسیع معماری برخوردار بوده‌اند.

بدیهی است تمدن‌ها، شکل‌هایی منسجم از جوامع انسانی بودند که توجه انسان را به اهمیت خویش معطوف داشتند بطوری که زیبایی و عظمت نیروهای جاودانی را در اشکال انسانی تصویر می‌کرده است و به همین دلیل نیز بیشتر پیکره‌های اولیه را تمثال خدایان و الهه‌ها تشکیل می‌دادند که در معابد یافت شده‌اند.

(تصویر ۳-۴) چهره‌ای است از الهه یا ملکه اوروک که قدمت آن به حدود ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ ق.م بازمی‌گردد. حفره چشمان و گودی ابروان این سردیس از صدف‌ها و سنگ‌های رنگین پر، و سر آن نیز به کلاه گیسی از طلا مزین بوده است.



۳-۴- سردیس الهه یا ملکه از اوروک، حدود ۳۵۰۰-۳۰۰۰ ق.م، موزه بغداد، عراق

درشتی چشم از مواردی است که در بیشتر چهره‌های به جای مانده از هنر میان رودان دیده می‌شود. چشم که از نافذترین اعضای بدن است همواره به منزله‌ی دریچه‌ی روح مورد توجه بوده است. از این جهت است که حفره‌های چشم در سردیس‌های تمدن‌های مختلف، گاه با سنگ‌های قیمتی پر می‌شده است. از دیگر ویژگی‌های مهم پیکره‌های سومری یافت شده در معبد ابو واقع در تل اسمر و اوروک و اور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

سادگی ساختار، شکل ظاهری مخروطی یا استوانه‌ای پیکره‌ها، حالت وقار رمزگونه، ایستایی پیکره‌ها و کاربرد آیینی آنها (تصویر ۵-۳)، مهارت ساخت پیکره‌ها با تلفیق مواد و مصالح گوناگون (تصویر ۶-۳) همچنین موجودات تخیلی و اساطیری که از ترکیب اعضای انسان و حیوان بوجود آمده‌اند همگی خصلتی داستان‌سرایانه دارند و همچون کتب تصویری هستند که با کنار هم قرار دادن چند تصویر یا پیکره حکایتی را نقل می‌کنند (تصویر ۷-۳). گاهی نیز شخصیت‌های اصلی داستان جانورانی هستند که به کارهای انسانی مشغولند. این تصاویر، نقاشیهای متحرک و یا داستان‌های مصور (کمیک استریپ) را به یاد می‌آورد (تصویر ۸-۳ الف و ب).



۳-۵- پیکره‌های ستایش از معبد حسونا (تل اسمر)، عراق ۲۷۰۰ ق. م، بلندی ۷۵ سانتی‌متر